

غلامرضا ظریفیان، مدیرعامل سازمان برنامه‌ریزی و بودجه

تحلیل غلامرضا ظریفیان از وضعیت دانشگاه‌ها در دولت روحانی:

بازگشت عقلانیت وامنیت

لیلا ابراهیمیان

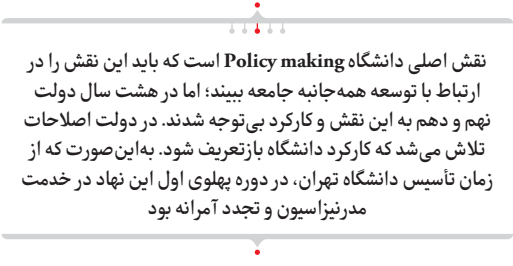


غلامرضا ظریفیان، مدیرعامل سازمان برنامه‌ریزی و بودجه

خود را از دست داد. با این تخلیه نیرو سیاست متعارضی اتفاق افتاد و این گسترش کمی افسارگسیخته، در تحصیلات تکمیلی دانشگاه بود. به این صورت که از خالی‌شدن دانشگاه از نیروهای باتجربه، تعداد زیادی دانشجو در دوره تحصیلات تکمیلی کارشناسی‌ارشد و دکترا پذیرش شدند و حاصل آن جز ضعف کیفیت تحصیلات تکمیلی نبود. یعنی ما با سیاست غلط، قوت آموزش عالی خود را به ضعف تبدیل کردیم و امروز دانشگاه‌های ما یک بحران کیفیت مواجه شده‌اند؛ طوری‌که در حاشیه خیابان انقلاب پایان‌نامه‌فروشی و مقاله آ‌اس‌آی‌اف‌فروشی داریم و متأسفانه این سرقت علمی امروز هم ادامه دارد. درحالی‌که در تعریف پونسوک وظیفه و تعریف جدید دانشگاه تربیت کارشناس نیست. دانشگاه امروزه موظف است نیروی جامعه‌پذیر تربیت کند. برای همین فعالیت‌های درون‌دانشگاهی عین برنامه آموزشی است. از سوی دیگر، در دوره دولت نهم و دهم اصل پذیرش فعالیت دانشجویی به عکس آن بدل شد. اصل بر این بود که دانشجو فعالیت نکند مگر با ضرورت خاص. بسیاری از تشک‌ل‌ها در این دوره منحل یا چار رکود شدند و این امتناع از فعالیت‌ها با برخورد‌های امنیتی روبه‌رو شد و فضای امنیتی را برای دانشجویان و استادان به وجود آوردند.

❧ در دولت جدید برای ترمیم این آسیب چه اقداماتی انجام شد؟

اولین اتفاق مبارکی که در این دوره افتاد این است که فضای امنیتی از دانشگاه برداشته شد یا به لحاظ روانی احساس امنیت به دانشگاه برگشت. این البته خیلی‌مهم است و دانشگاهیان با تمام وجود احساس آرامش و امنیت می‌کند. البته ممکن است در دانشگاه‌هان اتفاق خاصی نیفتاده و فعالیت‌های جدی شکل نگرفته باشد، ولی دانشگاهیان این احساس را دارند که فضای سنگینی که بر روح و روان دانشگاه سایه افکنده بود و موجب شده بود با نگرانی به آینده فکر کنند، برداشته شده است. فضای سنگین عوارض زیادی را بر روح دانشگاه تحمیل کرد. نتیجه آن نوعی رکود علمی و مهاجرت بود. آرامش امروز دانشگاه‌ها، دستاورد بزرگی است. آقای روحانی به دانشگاه اعتماد کرد و دانشگاه هم همین‌طور. دانشگاه هم به دلیل این اعتماد گام‌های جدی در دفاع از روحانی برداشت. برای اولین‌بار بعد از آسیب‌های سنگین آن هشت سال، شاهد بودیم که استادان به‌صورت خودجوش وارد صحنه می‌شدند و مایل بودند فضا را تغییر دهند. این از دستاوردهای این دوره بود



نقش اصلی دانشگاه Policy making است که باید این نقش را در ارتباط با توسعه همه‌جانبه جامعه ببیند؛ اما در هشت سال دولت نهم و دهم به این نقش و کارکرد بی‌توجه شدند. در دولت اصلاحات تلاش می‌شد که کارکرد دانشگاه بازتعریف شود. به‌این‌صورت که از زمان تأسیس دانشگاه تهران، در دوره پهلوی اول این نهاد در خدمت مدرنیزاسیون و تجدد آمرانه بود

که تعداد قابل‌توجهی از استادان را از اتاق‌های خود، بیرون آورد و سکوتشان را شکست و اینها در زمینه‌های مختلف نامه‌هایی نوشتند. امیدواریم این دولت بتواند این اعتماد را تداوم بخشد وگرنه استادان برمی‌گردند به اتاق‌های خود. یادم هست دکترا شفيعی‌کدکنی وقتی به فرصت مطالعاتی می‌رفت، یک شعری در آن فضا گفت: «...آخرین فاجعه این‌بود که ما هریک به درون خویش تبعید شدیم...». درواقع در فضای قبلی هریک از دانشگاهیان به درون خود تبعید شده بودند. در ۲۴ خرداد این تبعید شکست و این ارزشمند است که باید به الزامش توجه کرد، وگرنه این امکان هست که استادان متناسب آنچه که قول داده شده است، تغییر و تحولات لازم را نبینند و دوباره برگردند به سکوت خود. به قول حافظ: «حافظ اندیشه کن از نازکی خاطر باربر/او» درگهش این تاله و فریاد ببر»

❧ اعتماد آقای روحانی به دانشگاهیان در چه مواردی بود و چه مصادیقی داشت؟

حلقه‌ای که وزیر علوم را انتخاب می‌کرد، از میان استادان بود. دکتر روحانی انتخاب وزیر علوم را به خود دانشگاهیان معتبر از نظر علمی، تجربی و معنوی واگذار کرد. درعین‌حال با وجود فشارهای واردشده به دولت که نیروهایش عوض می‌شد و وزرای پیشنهادی‌اش رد می‌شد، به آن اصرار پایبند بود و از عدول نکرد. گام‌به‌گام انتخاب آن حلقه علمی را تبدیل و از آن انتخاب دفاع کرد. این نشان اعتماد دولت به دانشگاه است. دکتر توفیقی، میلی‌مغردی و فرجی‌دانا را همه به سلامت نفس، دینداری و مبرز‌بودن در فهم تحولات وزارت علوم می‌شناسند. کارنامه وزارتی دکتر فرجی‌دانا کاملاً قابل‌دفاع بود. ایشان در میان نیروهای اخلاقی و علمی و در میان دانشگاهیان از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند و البته دکتر فرهادی هم همین‌طور. ایشان دو دوره وزیر بودند و چهره‌های علمی هستند. اما با همه تفاوت این افراد با هم، با تأیید دانشگاه و دولت این انتخاب و اعتماد انجام شده است. اما در دوره قبل دانشگاه‌ها

سیاست

ستمی رفته که برای برگشتن به سر جای خود برنامه‌ریزی جدی‌تری و کاری سخت‌تر لازم است. در همین انتخاب رؤسای دانشگاه، مشکلات جدی وجود دارد.

❧ بازگرداندن استادان برکنار‌شده و دانشجویان ستاره‌دار، جزء انتظاراتی است که از دولت یازدهم وجود دارد و البته این را هم می‌دانیم که یکی از دلایل اصلی اعتراض چندین‌باره مجلس به وزارت علوم نیز برآورده‌کردن همین انتظار بود. عملکرد یک‌ساله گذشته وزارت علوم را در این حوزه چگونه ارزیابی می‌کنید؟
من معتقدم الان دانشگاه در روند تغییر مثبت است. به‌عنوان مثال، الان برای بازگرداندن استادان که ۳۰ سال خدمت هستند، یا در دوره قبل بازنشسته شدن تلاش می‌شود. البته بازنشستگی استادان مربوط به ۳۰ سال سن نیست. تا ۷۵ یا ۸۰ سالگی هم می‌توانند تدریس کنند. البته برگشتن اینها فرایند پیچیده‌ای دارد که باید در هیات دولت مطرح شود و مناسباتی را طی کند. تا آنجا که من می‌دانم فهرستی تهیه شده و در دست بررسی فرایند حقوقی است. یک‌عده به‌طور طبیعی نمی‌خواهند و تمایل به برگشت ندارند. عده‌ای از این افراد حتی به‌صورت ساعتی در برخی از دانشگاه‌ها مثل دانشگاه علامه طباطبائی مشغول به‌کار شدند. البته در دانشگاه قاعده‌ای است که استادان بازنشسته می‌توانند ۴۰ ساعت تدریس کرده و همان حقوق معادل استادان را دریافت کنند. یا در بعضی از دانشگاه‌ها مثل دانشگاه علامه طباطبائی، خیلی از مشکلات استادان حل شده است. مسئله بعدی پدیده شوم ستاره‌دارشدن است که در دوره قبل اتفاق افتاد و دست نیروهای امنیتی را باز گذاشت. در دوره دکتر توفیقی کمیته بررسی وضعیت دانشجویان ستاره‌دار تشکیل شد. بخش قابل‌توجهی از این دانشجویان بعد از بررسی پرونده آنها به دانشگاه برگشتند. اما این نکته از پارادوکس‌های نامناسب برای کشور است که اگر کسی دچار خطایی شد، چه خطای سیاسی، چه خطای اجتماعی یا هر خطای دیگر، این خطا باید مورد بررسی قرار گیرد و بعداً حکمی صادر شود. اگر حکم انضباطی گرفتند، طبیعتاً محروم‌کردن از تحصیل، بدترین کار است. تحصیل جزء حقوق طبیعی هر فردی است و اگر قرار باشد این حق سلب شود باید قانون، مصادیق آن را معین کند. بسیاری از این کسانی که اجازه تحصیل پیدا نکردند، هیچ حکم قانونی‌ای نگرفتند و این خلاف منطق و قانون است. اصلاً رزمنده جمهوری اسلامی نیست. این مجازات باید روند خود را طی کند اما دلیل نمی‌شود که به ازای آن از حق طبیعی تحصیل محروم شوند. این کار باید از اساس مورد بازبینی قرار گیرد و ما محرومیت از تحصیل را برداریم یا باید به‌طور روشن و از طریق قانون، این محرومیت مشخص شود نه به‌وسیله نگاه‌های سلیقه‌ای.

❧ در مورد تشک‌ل‌های دانشجویی چطور؟

این مسئله در دو، سه سطح مطرح است. اولاً ما اگر به همین قواعد و قوانین موجود، درست عمل کنیم، اگرچه می‌شود نقدهایی جدی به آنها داشت و اگر در اجرای آنها اعمال سلیقه نشود، موجب می‌شود بسیاری از کسانی که از فعالیت محرومند، بتوانند در آن کمیته‌های سفنری درخواست خود را مطرح کنند و مجوز فعالیت بگیرند. بعد از اتفاقات ۱۸ تیر و سال ۸۸، بخشی از جریانات دانشجویی‌ما تمایل دارند که فعالیت خود را با نوعی نگاه همچنان قیض نه بسط در چارچوب قانون ادامه دهند. اما الان بعضی از سلیقه‌ها مانع این فعالیت هستند. من معتقدم اگر همین قوانینی که وجود دارد رعایت شود، بخشی از این ب‌ن‌ست‌ها رفع می‌شود. البته به‌نظرم وزارت علوم گام‌هایی را برداشته. ما چهارونیم میلیون دانشجو در کشور داریم و این معنی عظیم انرژی، تلاش و امید است. قطعاً باید به بازبینی آیین‌نامه‌ها اقدام و فضا را برای تشک‌ل‌های فعالیت‌ها و سازمان‌دهی، آماده کرد.

❧ استراتژی جدید برای نحوه مواجهه با مخالفت‌های مجلس چیست؟

یکی از درخشان‌ترین اقدام‌های دولت روحانی رسیدگی به مسئله بورسیه‌ها بود و جامعه و رسانه‌ها هم این حساسیت را از خود نشان دادند. نکته دیگر این است نگاه اکثریت نمایندگان این بود که شفاف‌سازی انجام شود. کانون فشار در ارتباط با بورسیه‌ها فقط از جانب برخی از نمایندگان مجلس بود، نه همه آنها. البته دولت هم می‌خواست که با رعایت انصاف، به این تخلفات رسیدگی شود. درنهایت هم مشخص شد که بیش از هزار یا کمی بیشتر از این، مشکلی وجود نداشت، یعنی اگر اینها در دوره اصلاحات هم می‌خواستند بورسیه بگیرند، مشکلی نداشتند. البته در فضای تبلیغی هم به بعضی از این افراد ضربه وارد شد. تصور کردند همه بورسیه‌شده‌ها مخلف هستند. چون پرونده این افراد در کمیسیون‌های متعدد و کمیته‌های مختلف بررسی می‌شد، آمارهای متعدد اعلام شد. البته سعی هم شد که افراد، آسیب زیادی نبینند درعین‌اینکه دانشگاه‌ها نباید آسیب ببینند. در مصاحبه تلویزیونی‌ای که دکتر فرهادی هم داشتند، از هفت یا هشت نامه دیوان محاسبات صحبت کردند که گفتند ادامه بورسیه بعضی از افراد خلاف قانون است. یعنی اینکه خود مجلس هم اصرار بر شفاف‌سازی دارد. باز هم تأکید می‌کنم وقتی به دانشگاه به‌عنوان ابزار قدرت نگاه می‌کنیم، این وقت باید کسانی در اینجا قرار گیرند که در اختیار و وابسته به یک فکر هستند. این فکر در اختیار هر جناحی باشد، خطرناک است و اگر اصلاح‌طلبان هم این‌گونه به دانشگاه بیندیشند، خطرناک است. دانشگاه یک نهاد ملی است و باید در خدمت توسعه کلان جامعه باشد و بین دانش، دانشگاه، توسعه و سیاست‌گذاری برای توسعه، پیوند ایجاد کند.

❧ بعد از انتخاب آقای فرهادی به عنوان وزیر علوم، اخباری از افزایش رفت‌وآمد نمایندگان عضو جبهه پایداری به وزارت علوم منتشر شد. این تا چه حد صحت داشت.

در دوره‌های قبل هم همین جلسات برگزار می‌شد و این طبیعی است. وزیر علوم، وزیر همه جناح‌ها و گروه‌های سیاسی است. در کشور جناح‌های متعدد، نمایندگان مجلس و احزاب سیاسی می‌خواهند از راه‌های متعدد سیاست‌های خود را بر وزیر تحمیل کنند. البته الان کمی بیشتر شده است. اما بستگی به این دارد که ایستادگی وزیر در برابر خواسته‌های این افراد و جناح‌ها چگونه است. دکتر فرهادی مسیر را خوب می‌شناسد و هم ایشان و هم دولت به چارچوب‌های وزارت علوم ملزم هستند، اما نوع رویه‌ها و روش‌ها برای رسیدن به این هدف، شاید متفاوت باشد.

❧ به‌نظر شما چقدر سیاست وزارت علوم در دوره آقای فرهادی با سیاست قبلی وزارت علوم، همسو خواهد بود؟

من با شناختی که از دکتر فرهادی دارم، ایشان خود را متعهد به چارچوب‌ها و اصولی می‌داند که برای وزارت علوم تعریف شده است. اما طبیعتاً در مورد چگونگی اجرای این سیاست‌ها، شاید روش متفاوتی داشته باشد. ایشان فردی بسیار اخلاقی و علمی است اما جامعه گاه رویه‌هایی را تحمیل می‌کند که باید به آنها توجه داشت. شاید نوع رویکرد دکتر فرجی‌دانی در دکتر توفیقی یا دکتر فرهادی در کند و تند حرکت‌کردن، متفاوت باشد. اما دکتر فرهادی به‌شدت مقید به برنامه‌های دولت یازدهم در وزارت علوم و اصول وزیر قبلی هستند. البته دکتر روحانی هم گفتند فرهادی ادامه‌دهنده راه دکتر فرجی‌دانا و دکتر توفیقی هستند و هر کدام از آن گزینه‌ها که برای وزارت علوم انتخاب شده بودند، در راستای عمل به همین اصول بودند.

ادامه از صفحه ۱۰

غلامرضا ظریفیان، مدیرعامل سازمان برنامه‌ریزی و بودجه

دولت تدبیر، شبکه‌های اجتماعی

ظریف هم در صفحه فیس‌بوکش برای مخاطبانش از کم‌رشدش گرفته تا موضوع هسته‌ای می‌نویسد و لایک می‌خورد و نقد می‌شود و جواب می‌دهد. ظریف از ۱۳ شهریور ۱۳۹۲ نیز به‌عنوان وزیر امور خارجه ایران به شبکه اجتماعی توئیتر پیوست و این شبکه اجتماعی را به تعامل با مخاطبان غیرفارسی‌زبان اختصاص داد و از طریق همین شبکه اجتماعی به اعلام موضع و اخبار کارش اقدام می‌کند و گاهی هم با دیگر سیاستمداران گفت‌وگوهایی دیپلماتیک دارد که به خبر روز دنیا تبدیل می‌شود. شاید بتوان به‌جرت گفت در شب‌های حساس مذاکرات هسته‌ای ایران منابع خبری برای دریافت خبر چشم به حساب توئیتر ظریف دارند. دیگر اعضای دولت روحانی از جمله اسحاق جهانگیری معاون اول، معصومه ابتکار، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، شهیندخت مولاوردی، معاون روحانی در امور بانوان و علی جنتی، وزیر ارشاد نیز در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توئیتر حضور دارند و مخاطبان خود را در جریان اخبار حوزه‌های کاری خود قرار می‌دهند و مردم به‌صورت مستقیم نغذغه‌های خود را با آنها در میان می‌گذارند. هرچند این حضور باید بیشتر، عمیق‌تر و مستقیم‌تر باشد تا سیاست‌مدار دریافت دست‌اولی از نظرات مردم داشته باشد و مردم نیز مطمئن باشند که فلان سیاست‌مدار یا مسئول خودش مستقیماً و نه متصدی دفتر او، در حال خواندن نظر

و پاسخ‌گویی است. گرچه شبکه‌های اجتماعی پدیده‌ای جدید و از یک‌دهه پیش قدرت گرفته است اما دولت پیش از دولت حسن روحانی این فرصت را داشت تا در این فضا حضور پیدا کند ولی این اتفاق در دولت نهم و دهم رخ نداد و دولت حسن روحانی اولین دولت ایران بود که حضور چشمگیری در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد و شبکه‌های اجتماعی را یکی از تدابیر دولت تدبیر و امید خود کرد. دولت اولین‌بودن خوب است اما بهترین‌بودن بهتر است و هر دولت و سیاست‌مداری باید فرصت شبکه‌های اجتماعی را مقتمن شمرده و از این ابزار برای تعامل با کسانی که نماینده آنهاست نهایت استفاده را ببرد. دولت تدبیر و امید آغازگر حضور دولتی‌های در شبکه‌های اجتماعی بوده است. درحال‌حاضر از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل ۱۵۳ دولت در توئیتر حساب دارند (که البته دولت ایران جز این ۱۵۳ کشور نیست). همچنین ۱۲۵ نفر از سران کشورها و ۱۳۹ سیاست‌مدار سرشناس عضو توئیتر هستند، در توئیتر فعالیت دارند. خبررسانی می‌کنند، اظهارنظر می‌کنند و با دیگر کاربران توئیتر تعامل دارند. (که خوشبختانه حسن روحانی شبکه‌های اجتماعی برای دولت‌ها و جواد ظریف جزء این افراد هستند).

شبهه‌های اجتماعی برای دولت‌ها و سکویی کم‌هزینه با تأثیر و ضریب نفوذ بالا هستند و حتی می‌توانند به نوعی جزئی از سرمایه سیاسی سیاستون باشند. می‌توان به دولت حسن روحانی در کسب این سرمایه سیاسی نمره خوبی داد زیرا حضور و فعالیت دولت تدبیروامید در شبکه‌های اجتماعی رخدادی اتفاقی که از قضا نتیجه خوبی برای تدبیروامیدی‌ها داشته، به نظر نمی‌رسد. حضور «پیوسته» و «انسانی» و نه روباتی یا دگرسیار، در شبکه‌های اجتماعی یکی از عوامل مهم تأثیرگذاری در این شبکه‌هاست، که دولت روحانی در این زمینه عملکرد خوبی داشته است. جواد ظریف با پیش از ۹۳۰ هزار لایک در فیس‌بوک یک حضور خود به این شبکه را کم‌کم، افول تأثیرش را فیس‌بوک آغاز می‌شود. از سوی دیگر، مخاطبان شبکه‌های اجتماعی همواره پذیرای فعالیت پیوسته و انسانی افراد حقیقی و حقوقی دولت هستند. دولت حسن روحانی در این عرصه پیشگام بوده است و می‌تواند گام‌های بلند و تأثیرگذارتری نیز بردارد، گام‌هایی که می‌توانند منجر به درک متقابل سیاسی و اجتماعی چشمگیر بین دولت و مردم شود یا حداقل به ایجاد این درک کمک کند.

ادامه از صفحه ۱۱

غلامرضا ظریفیان، مدیرعامل سازمان برنامه‌ریزی و بودجه

مشکلات پایه‌ای، دیپلماسی منطقه‌ای

از عراق گرفته تا سوریه، لبنان، فلسطین، یمن و دیگر کشورها، به‌ویژه بعد از بروز انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی اعمال شده‌اند، و پرچم مبارزه در کل این محور نیز در دست توانای مقام معظم رهبری بوده است. تردیدی نیست که تجربه کاری آقای دکتر ظریف بیشتر در نحوه تعامل با غرب بوده و از این تجربه نیز به نحو احسن استفاده کرده است نیز می‌دانیم که ایشان تجربه زیادی در فعالیت‌های پیچیده دیپلماتیک در منطقه خاورمیانه و جهان عرب نداشته است اما واقعیت این است که در وزارت خارجه کارها تقسیم شده و اگر آقای ظریف و گروه همراه ایشان همه هم خود را صرف برنامه‌ریزی و مذاکرات مربوط به برنامه هسته‌ای کرده‌اند، امور مربوط به منطقه و محور مقاومت را معاون ایشان آقای دکتر امیر عبداللّه‌یان پیگیری کرده که دیپلماتی کارکشته، حکیم و متعهد است و با آگاهی از همه پیچیدگی‌های منطقه و ظرافت‌های لازم در برخورد با مشکلات، امور محوله را پیوسته در هماهنگی با آقای ظریف و دیگر بخش‌ها و نهاد‌ها به‌خوبی پیش برده است و ایرادهایی که گرفته می‌شود نمی‌تواند وارد باشد.

امتناع‌سعودی‌ها

در مورد عربستان سعودی، دستگاه دیپلماسی ما پیوسته تأکید کرده است که ما در این منطقه نه با عربستان سعودی و نه با هیچ کشور دیگری قصد رقابت نداریم و پیوسته دستانمان برای افشردن دست عربستان سعودی به‌منظور حل مشکلات منطقه‌ای دراز است. اما این عربستان است که با توهم مبارزه با نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی، سیاست تخریب در سراسر منطقه را در پیش گرفته و پیوسته پیشنهادهای ایران برای همکاری منطقه‌ای را رد کرده یا بی‌پاسخ گذاشته تا جایی که حاضر شده است برای مقابله با محور مقاومت حتی با اسرائیل که تنها دشمن جهان عرب و جهان اسلام است، دیدار کند. حتی این اعتقاد وجود دارد که دستگاه دیپلماسی ما در این زمینه بیش از حد و اندازه تلاش کرده که تناسبی با عزت و قدرت جمهوری اسلامی نداشته است و مثلاً دون شان است که آقای دکتر ظریف برای شخصی مثل عادل جبیر، وزیر جدید امور خارجه عربستان سعودی پیام تبریک بفرستد. در همه این سال‌ها، هر مسئولی در کشور ما روی کار آمده، بر گسترش روابط با عربستان سعودی برای همکاری در جهت حل مسائل منطقه و حفظ منافع جهان اسلام تأکید و تلاش کرده و پیوسته با امتناع سعودی‌ها مواجه شده است. نکته پایانی اینکه دستگاه دیپلماسی و شخص آقای دکتر ظریف و تیم ایشان نباید از انتقاد و مخالفت‌هایی که با ایشان می‌شود، ناراحت و نگران شوند زیرا این انتقادها نه فقط دلیل سلامت است بلکه باعث تقویت موقعیت مذاکراتی ایشان نیز می‌شود و از فشارهای احتمالی که ممکن است از سوی طرف‌های دیگر مذاکره‌کننده بر ایشان وارد شود، می‌کاهد.

۲ سال سیاست هسته‌ای روحانی

عامل مهمی که در همه مذاکرات دو سال گذشته به‌وضوح مشاهده شد، احترام کامل اعضای گروه ۵+۱ به مذاکره‌کنندگان و به کشورمان است، طوری که شخصیت و کرامت جمهوری اسلامی ایران در جهان حفظ می‌شود. حتی اعضای تیم مذاکراتی آنها و سطح مذاکره‌کننده نسبت به هشت سال قبل از آن متفاوت شده است و وزیر امور روند خود قرار دارد. همه موضوعات محتوایی نظیر غنی‌سازی، چگونگی برداشتن تحریم‌ها، مدت اعتمادسازی، آینده تحقیق و توسعه در زمینه هسته‌ای و بسیاری دیگر تعیین‌تکلیف شده و آخرین راینزین‌ها در‌باره چگونگی تعهد ایران به پروتکل الحاقی در حال انجام است با حسن‌نیت ایران نسبت به صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های هسته‌ای‌اش به اثبات رسد. چنانچه موافقت بین طرفین تا ۱۰ ترمه‌ما به دست آید، دکتر روحانی موفق شده است یکی از پرچالش‌ترین موضوعات تاریخ ایران با جامعه بین‌المللی را با آرامش و به‌شکل مسالمت‌آمیز حل‌وفصل کند و دوران رشد و توسعه را برای مردم ایران به ارمغان آورد.

ادامه از صفحه اول

اهمیت قانون کارروزآمد

مثلاً با این استدلال که اگر اختلافی میان کارگر و کارفرما پیش بیاید که در قانون پیش‌بینی نشده باشد، این قانون ناقص خواهد بود. با این استدلال همه جزئیات کار، حتی مواردی که با احتمال اندک و در شرایط خاص ممکن است پیش بیاید، باید در قانون مشخص شده باشد تا قانون از هر نظر کامل و جامع باشد. هرچه در نوشتن قانونی کامل‌تر و جامع‌تر بکوشیم، به همان اندازه توانایی تطبیق آن با همه کارگاه‌ها را کاهش داده‌ایم.به همین جهت جایگاه این موارد ویژه و استثنایی، نه در متن قانون کار، بلکه در آیین‌نامه داخلی کارگاه‌هاست؛ زیرا موضوعی که به یک یا چند نوع از کارگاه‌ها مربوط می‌شود باید در آیین‌نامه همان نوع کارگاه‌ها نوشته شود و نه در متن قانون. از آنجا که تنوع فعالیت و پرکردگی جغرافیایی کارگاه‌ها بسیار زیاد است، تهیه و تدوین آیین‌نامه داخلی برای کارگاه با توجه به شرایط ویژه آن کارگاه، و امکان نظارت قانونی بر آنها نباید از کنترل مسئولان وزارت کار خارج شود. بدین منظور کارشناسان حقوقی وزارت کار می‌توانند کارگاه‌ها را با توجه به تنوع آنها در چند گروه یا تیپ طبقه‌بندی کرده و برای هر تیپ یک پیش‌نویس آیین‌نامه تدوین کنند.این پیش‌نویس دربر دارنده ویژگی‌های اصلی فعالیت آن گروه از کارگاه‌ها خواهد بود. به این ترتیب ممکن است حداقل ۲۰ تیپ آیین‌نامه داشته باشیم، یا با این همه باز هم امکان دارد یک کارگاه نتواند خود را با شرایط یک تیپ از این پیش‌نویس‌ها به‌طور کامل تطبیق دهد. پس باید حق داشته باشد بعضی از مواد آن را تغییر دهد یا با مواد از تیپ‌های دیگر جابه‌جا کند. به شرط آنکه در فرایند قانونی، این پیش‌نویس را به تأیید اداره کار و امور اجتماعی محل رسانند تا مغایرتی با متن قانون نداشته باشد و جنبه قانونی و اجرایی پیدا کند. پیشنهاد خلاصه‌کردن قانون کار و واگذارکردن جزئیات به آیین‌نامه داخلی، پیشنهاد جدیدی نیست و تعاونی‌ها نیز با همین رویکرد اقدام به تهیه آیین‌نامه‌های تیپ کرده و زمینه تأسیس، ثبت و گسترش شرکت‌های تعاونی را فراهم کرده‌اند.مجموعه قانون کار و آیین‌نامه مصوب داخلی کارگاه در حکم قانون کار برای آن کارگاه خواهد بود، با این اطمینان که دیگر چیزی از قلم نیفتاده و همه ابعاد اصلی، فرعی و استثنایی روابط کار در این مجموعه گنجانده شده است. این یوپوایی و انعطاف‌پذیری از لحاظ شکلی می‌تواند بخشی از مشکلات تسری قانون کار به همه کارگاه‌ها و مراکز کار و فعالیت را حل‌وفصل کرده و دلبلی برای مستثنی‌شدن بخشی از کارگران از حمایت قانون وجود نداشته باشد.همچنین یک قانون جمع‌وجور و شسته‌ورفته و انعطاف‌پذیر موجب دلگرمی کارفرمایان شده و با رفع نگرانی‌های بی‌مورد، زمینه رشد اشتغال در جامعه را فراهم خواهد کرد.